پیشمرگ؛ روایتی از قهرمانان ناشناخته دفاع مقدس تا چالش‌های سینمایی ایران

پیشمرگ و تلاش برای جذابیت در کنار وفاداری به تاریخ

سپهرغرب، گروه فرهنگی – سمیرا گمار: یک منتقد سینما گفت: فیلم «پیشمرگ» به کارگردانی علی غفاری، تلاش دارد تا شخصیت شهید سعید قهاری را از نگاه انسانی و واقع‌گرایانه به تصویر بکشد اما در این مسیر، چالش‌هایی همچون تعادل بین حقیقت تاریخی و جذابیت سینمایی همچنان وجود دارد. این اثر، هم‌زمان با نمایش واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی قهرمانان ملی، پرسش‌های اساسی را درباره نحوه روایت تاریخ و قهرمان‌سازی در سینمای ایران مطرح می‌کند.

سینما، بیش از آنکه ابزار سرگرمی باشد، آینه‌ای‌ست برای بازتاب آنچه در پسِ تاریخ، حافظه جمعی و ارزش‌های یک ملت نهفته است. در میان ژانرهای مختلف، فیلم‌هایی که به روایت قهرمانان ملی و چهره‌های دفاع مقدس می‌پردازند، از حساس‌ترین و در عین حال پُرچالش‌ترین حوزه‌ها به‌شمار می‌روند. چراکه این آثار، نه‌تنها باید به واقعیت‌های تاریخی وفادار بمانند، بلکه باید بتوانند از ورای تصویر، روح یک قهرمان را زنده کنند؛ بی‌آنکه گرفتار شعارزدگی شوند، یا در دام تقدیس‌گرایی بی‌جان بیفتند.

فیلم «پیشمرگ» به کارگردانی علی غفاری، روایتی است از بخشی از زندگی شهید سعید قهاری سعید؛ فرمانده شجاعی که هم‌زمان با صلابت در میدان جنگ، ریشه در خاک مردم داشت. این فیلم به‌تازگی روی پرده رفته و با بازخوردهای متفاوتی مواجه شده، به‌ویژه در مورد نحوه روایت تاریخ و شخصیت‌پردازی‌های آن. اما پرسش اصلی این است؛ آیا سینمای ایران توانسته در روایت قهرمانان خود، زبان تازه‌ای بیابد؟ آیا ما هنوز هم قهرمانان‌مان را صرفاً در قاب کلیشه‌ها می‌بینیم؟ اصلاً سینما چقدر مسئول است که بین حقیقت و تخیل، روایت متعهدانه‌ای ارائه دهد؟

در این گفت‌وگو، با امیرحسین حیدری؛ منتقد و روزنامه‌نگار همراه می‌شویم تا درباره «پیشمرگ»، سینمای قهرمان‌محور، و بایدها و نبایدهای پرداختن به چهره‌های ملی و تاریخی، به گفت‌وگو بنشینیم.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

■ آقای حیدری در سینمای ایران، آثار متعددی با محوریت قهرمانان ملی تولید شده، اما همواره این نگرانی وجود دارد که این آثار به سمت شعارزدگی متمایل شوند. به‌نظر شما مرز میان بزرگداشت یک قهرمان و افتادن در دام شعار چیست؟

در پاسخ به این پرسش باید بگویم که در چند سال اخیر، فیلم‌هایی که در مورد قهرمانان دفاع مقدس تولید شده‌اند، تلاش کرده‌اند که از شعارزدگی فاصله بگیرند، اما آنچه گاهی باعث می‌شود این فیلم‌ها به‌نظر شعارزده برسند، نحوه پرداختن به این شخصیت‌ها است. زمانی که بخواهیم یک شخصیت حقیقی و تاریخی را به تصویر بکشیم، به‌ویژه اگر این شخصیت هنوز زنده بوده یا مدت زیادی از حیات او نگذشته، کار بسیار سختی است. اگر بخواهیم به‌طور کامل به این شخصیت‌ها بپردازیم، فیلم به نوعی تبدیل به مستند خواهد شد و دیگر از جذابیت‌های دراماتیک برخوردار نخواهد بود. اما اگر بخواهیم جذابیت را به داستان بیفزاییم، ناگزیر از فاصله گرفتن از تاریخ خواهیم بود که این خود می‌تواند مشکلاتی به‌دنبال داشته باشد.

یکی از دلایلی که موجب می‌شود برخی فیلم‌ها احساس شعارزدگی را در مخاطب ایجاد کنند، این است که کارگردانان به‌طور ناخودآگاه یا عمدی به سمت ساخت پرتره‌ای از این قهرمانان می‌روند و تنها بخشی از زندگی آن‌ها را به تصویر می‌کشند. این شیوه ممکن است به‌طور غیرمستقیم موجب القای حس شعارزدگی به بیننده شود. در عین حال، نباید فراموش کرد که برخی آثار، به‌ویژه آن‌هایی که در تلاش برای پاسداشت کامل این قهرمانان هستند، به‌طور عمدی یا ناخواسته در دام شعارزدگی می‌افتند. در مجموع، بسیاری از این مسائل به تلاش‌های بی‌دقت و غافلانه کارگردانان برای وفاداری به تاریخ و همزمان حفظ جذابیت دراماتیک برمی‌گردد.

■ فیلم «پیشمرگ» به زندگی شهید سعید قهاری می‌پردازد. از دیدگاه شما، این فیلم تا چه اندازه در به تصویر کشیدن وجوه انسانی و واقعی این شخصیت موفق بوده؟ آیا توانسته میان مستند بودن روایت و اقتضائات سینمایی تعادل برقرار کند؟

قبل از پاسخ دادن به پرسش شما، باید بگویم یکی از نکات مثبت و برجسته فیلم این است که دست روی قهرمانی گذاشته که برای بسیاری از مردم ممکن است نام‌آشنا نباشد. متأسفانه بسیاری از شخصیت‌های مهم دفاع مقدس به‌دلیل شناخته‌شدن و شهرت زیاد، بیشتر در آثار مختلف به تصویر کشیده می‌شوند، اما فیلم «پیشمرگ» به چنین قهرمانان ناشناخته‌ای پرداخته که خود این انتخاب، اهمیت ویژه‌ای دارد. این نوع پرداختن به شخصیت‌های کمتر شناخته‌شده، می‌تواند تأثیر بسزایی در آشنایی مردم با قهرمانان واقعی داشته باشد.

در مورد اینکه این فیلم تا چه حد توانسته به شخصیت شهید سعید قهاری پرداخته و وجوه انسانی او را نمایش دهد، باید بگویم که سینمای دفاع مقدس ما معمولاً از شخصیت‌های قهرمان خود تصاویری آسمانی و فرشته‌وار به نمایش می‌گذارد، گویی این افراد از آسمان آمده‌اند، مأموریت‌شان را انجام داده‌اند و دوباره به آسمان بازگشته‌اند. این نوع روایت‌ها معمولاً از انسانیت و واقعیت‌های زندگی این افراد فاصله دارد اما فیلم «پیشمرگ» تلاش کرده تا شخصیتی انسانی‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت از شهید قهاری به نمایش بگذارد. در فیلم می‌بینیم که او برای رسیدن به اهدافش حتی درگیری‌های لفظی با سیاستمداران را تجربه می‌کند و بر سر آرمان‌هایش می‌ایستد.

در خصوص تعادل میان مستند بودن و اقتضائات سینمایی، باید بگویم که این فیلم بیشتر به سمت وزنه مستند بودن تمایل دارد تا دراماتیک. این ویژگی از یک سو می‌تواند مزیت باشد، چراکه باعث می‌شود بیننده شناخت بهتری از شخصیت واقعی شهید قهاری پیدا کند و احساس نزدیکی بیشتری به او داشته باشد. با این حال، این نکته می‌تواند یک چالش هم باشد، زیرا در برخی موارد، غلبه بر جنبه‌های مستند ممکن است باعث کم‌رنگ شدن جذابیت‌های دراماتیک و سینمایی شود. این موضوع ممکن است بر عملکرد گیشه فیلم تأثیر گذاشته باشد در حالی که «پیشمرگ» در جشنواره فجر موفق به کسب سیمرغ منتخب مردمی شد، اما در اکران عمومی نوروزی که زمانی طلایی برای سینما به‌شمار می‌آید، نتوانست فروش موفقی داشته باشد و در اکران عمومی رتبه‌ای پایین کسب کرد. این مسئله سؤالاتی را در مورد چگونگی استقبال از این نوع فیلم‌ها و چالش‌های آن‌ها در جلب نظر تماشاگران عمومی مطرح می‌کند.

■ در ساخت فیلم‌هایی با محوریت چهره‌های تاریخی و ملی، چه بایدها و نبایدهایی را ضروری می‌دانید؟ به‌ویژه در مورد مخاطب‌محور بودن اثر و در عین حال، وفادار ماندن به حقیقت تاریخی.

پرداختن به شخصیت‌های تاریخی و ملی همواره حساسیت‌های خاص خود را دارد، چراکه این شخصیت‌ها بخش مهمی از تاریخ یک کشور به‌حساب می‌آیند و نباید به‌سادگی به آن‌ها نزدیک شد. یکی از نکات مهمی که در این نوع آثار باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مخاطب امروزی در ابتدا به‌دنبال جذابیت بصری و در مرحله بعدی به‌دنبال یک داستان گیرا است. متأسفانه در بسیاری از فیلم‌های سینمایی، نه‌تنها در مورد «پیشمرگ» بلکه به‌طور کلی در سینمای ایران، ما اغلب از نظر جذابیت بصری با کمبودهایی روبه‌رو هستیم. این مشکل باعث می‌شود که فیلم‌ها نتوانند توجه تماشاگران را به‌طور کامل جلب کنند.

یکی از مسائل مهم در این‌گونه آثار، تمرکز بر داستان فیلم است. متأسفانه، در برخی مواقع با داستان‌های ضعیف روبه‌رو هستیم که این ضعف در پرداخت داستانی بیشتر به‌دلیل رویکرد پرتره‌ای و مستندگونه فیلم‌هاست. در حالی که سینما یک بستر نمایشی است و مخاطب وارد این بستر می‌شود تا یک داستان جذاب و گیرا مشاهده کند. حتی اگر این داستان لزوماً بر مبنای تاریخ نباشد، باید بتواند به‌طور جذابی روایت شود. این موضوع را می‌توان در نمونه‌های خارجی به‌ویژه فیلم‌های هالیوودی مشاهده کرد، جایی که جنبه دراماتیک داستان بر اساس تاریخ، غالب است. چنین رویکردی باعث می‌شود که فیلم به اثری جذاب برای مخاطب عام تبدیل شود.

در صورتی که فیلم‌های پرتره‌ای یا زندگینامه‌ای که به شکل مستندگونه ساخته می‌شوند، معمولاً توان جذب مخاطب عام را ندارند و بیشتر افراد حرفه‌ای یا علاقه‌مند به تاریخ هستند که به این آثار جذب می‌شوند. این رویکرد، اگرچه ممکن است برای مخاطبانِ خاص جذاب باشد، اما از هدف اصلی سینما، یعنی جذب حداکثری مخاطب، دور می‌شود؛ بنابراین، باید تلاش شود که در کنار وفاداری به حقیقت تاریخی، عناصر دراماتیک و جذابیت‌های بصری نیز در فیلم‌ها به‌خوبی لحاظ شوند تا اثر بتواند توجه طیف وسیع‌تری از تماشاگران را جلب کند.

■ برخی معتقدند این‌گونه آثار بیشتر برای جشنواره‌ها ساخته می‌شوند تا برای جذب مخاطب عام. به‌نظر شما «پیشمرگ» از این جهت چگونه عمل کرده است؟ آیا توانسته مخاطب عمومی را نیز با خود همراه کند؟

یکی از ویژگی‌های فیلم‌های دفاع مقدسی این است که معمولاً هیچ‌کدام با سرمایه بخش خصوصی تولید نمی‌شوند و معمولاً کارفرما و سفارش‌دهنده خاص خود را دارند. این موضوع باعث می‌شود که فیلم‌ساز همیشه یک سری ملاحظات خاص سرمایه‌گذار و سفارش‌دهنده را در نظر بگیرد که می‌تواند در بعضی موارد مثبت و در بعضی دیگر منفی باشد. در مورد فیلم «پیشمرگ»، تلاش کرده که هر دو طرف را در نظر بگیرد؛ هم ملاحظاتی که مختص فیلم‌های دفاع مقدسی و شخصیت‌های دفاع مقدس است و هم تلاش کرده که با گنجاندن سکانس‌های جذاب اکشن، بتواند توجه مخاطب عام را جلب کند.

با این حال، به‌نظر من این فیلم در این زمینه نتوانسته به طور کامل موفق باشد. مخصوصاً سکانس‌های پایانی که بیشتر شبیه به فیلم‌های دهه شصتی است. در این سکانس‌ها، قهرمان به‌طور تک‌نفره وارد صحنه نبرد می‌شود، در برابر بخش عظیمی از دشمنان می‌ایستد و با تفنگ به مقابله می‌پردازد تا در نهایت از مهلکه فرار کند. این نوع سکانس‌ها که به‌شدت شبیه به فیلم‌های دهه شصتی است، دیگر برای نسل حاضر و حتی نسل‌هایی که مخاطب آن دسته از فیلم‌ها بودند، جذابیت خود را از دست داده است.

از طرف دیگر، بخش‌هایی که مربوط به عملیات‌های اطلاعاتی، تعقیب و گریز و حتی ترور بودند، می‌توانستند به‌طور مؤثرتر مخاطب عام را جذب کنند و این بخش‌ها به نوعی ظرفیت جلب توجه را داشتند. در نهایت، به‌نظر می‌رسد که فیلم نتوانسته آن تعادل میان جذابیت‌های بصری و دراماتیک را به‌درستی برقرار کند تا هم مخاطب خاص را راضی نگه دارد و هم به‌طور کامل بتواند مخاطب عمومی را همراه خود کند.

■ شناخت عمومی از شخصیت‌هایی چون شهید قهاری در جامعه تا چه اندازه وجود دارد؟ آیا سینما توانسته نقشی در بازشناسی و معرفی چنین چهره‌هایی ایفا کند؟

در پاسخ به این پرسش، باید بگویم یکی از نکات مهم در مورد فیلم «پیشمرگ»، همین است که دست روی شخصیت شهید سعید قهاری گذاشته. به‌طور کلی، بسیاری از شخصیت‌های مهم دفاع مقدس برای عموم مردم شناخته‌شده نیستند و این فیلم توانسته تا حد امکان این شخصیت را به مخاطبان خود معرفی کند. این یکی از وظایف اصلی سینماگران ماست که قهرمانان ناشناخته را به جامعه معرفی و سهم خود را در بازشناسی و بزرگداشت این شخصیت‌ها ایفا کنند.

سینما، به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در انتقال مفاهیم و روایت‌ها، می‌تواند نقش مهمی در معرفی این نوع شخصیت‌ها ایفا کند. سینما با قدرت بصری و دراماتیک خود می‌تواند شخصیت‌هایی که در تاریخ کشور نقش مهمی ایفا کرده‌اند، اما در سایه مانده‌اند، به شکلی جذاب و قابل‌فهم به جامعه بشناساند. بنابراین، فیلم‌های سینمایی مانند «پیشمرگ»، در کنار تلاش‌هایی که برای بازسازی روایت‌های تاریخی انجام می‌دهند، می‌توانند به‌شکل مؤثری در معرفی این شخصیت‌ها نقش‌آفرینی کنند.

■ به‌کارگیری عناصر دراماتیک، مانند شخصیت دکتر روژان نادری در آثار دفاع مقدسی می‌تواند روایت را از واقعیت دور کند یا آن را برای مخاطب جذاب‌تر و قابل لمس‌تر کند. شما این رویکرد را چطور ارزیابی می‌کنید؟

عناصر دراماتیک، در سینما و هر اثر نمایشی دیگر، به‌طور قطع یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین ارکان یک اثر به‌حساب می‌آیند. این عناصر می‌توانند شامل خرده‌روایت‌هایی باشند که به داستان اضافه می‌شوند و ممکن است شخصیت‌هایی مانند دکتر روژان نادری که در «پیشمرگ» حضور دارد، به جذاب‌تر شدن فیلم کمک و روایت را از آن حالت مستندگونه‌اش خارج کنند.

در این فیلم ما شاهد همین نوع عناصر دراماتیک هستیم که پیرامون شخصیت‌هایی مانند دکتر نادری و اتفاقات حول این شخصیت در جریان است. این عناصر، که به‌خوبی در دل داستان گنجانده شده‌اند، می‌توانند به جذابیت فیلم افزوده و آن را از حالت صرف مستند بودن، خارج کنند. اهمیت این عناصر دراماتیک در این است که می‌توانند داستان را از صرف یک روایت تاریخی به یک اثر نمایشی تبدیل کنند که هم جذابیت داشته و هم برای مخاطب قابل لمس و قابل درک باشد.

درخصوص فیلم‌های تاریخی، به‌ویژه فیلم‌هایی که در مورد شخصیت‌های دفاع مقدس ساخته می‌شوند، اگرچه خود واقعه تاریخی ممکن است جذاب باشد، اما زمانی که بخواهیم آن را به‌صورت یک اثر نمایشی (سینمایی، تئاتری یا پویانمایی) به تصویر بکشیم، آن جذابیت خودبه‌خود کاهش می‌یابد. اینجاست که نقش عناصر دراماتیک برجسته می‌شود؛ اگر این عناصر به‌درستی و به‌طور دقیق در دل داستان گنجانده شوند و با مضمون اصلی و وقایع تاریخی هم‌راستا باشند، می‌توانند فیلم را جذاب‌تر و حتی مخاطب عام را به خود جذب کنند.

■ به‌عنوان پرسش پایانی بفرمایید به‌نظر شما چگونه می‌توان روایت قهرمانان ملی را از انحصار گفتمان رسمی خارج و آن را به یک روایت انسانی، ملموس و حتی بین‌المللی تبدیل کرد؟

در پاسخ به این پرسش، ابتدا لازم است که تاریخ سینمای دفاع مقدس مورد بررسی قرار گیرد. سینمای دفاع مقدس از همان سال‌های آغاز جنگ تحمیلی شروع شد. طی این سال‌ها، شخصیت‌پردازی و نحوه نمایش قهرمانان در این سینما را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد.

در دوره نخست، قهرمانان به‌نوعی به قهرمانان «آسمانی» شباهت دارند، شخصیت‌هایی که کاملاً منزه و بی‌گناه هستند. این شخصیت‌ها به‌گونه‌ای به تصویر کشیده می‌شوند که تقریباً به فرشته‌هایی شباهت دارند که به زمین آمده‌اند، مأموریتی را انجام داده و دوباره به آسمان بازمی‌گردند. در این نوع پرداخت، هرچند که صحنه‌های احساسی زیادی ایجاد می‌شود، اما برای مخاطب ارتباط نزدیک با این قهرمانان دشوار است، زیرا این شخصیت‌ها بسیار از دنیای روزمره دور به‌نظر می‌رسند.

دوره دوم سینمای دفاع مقدس، شاهد قهرمانانی هستیم که حالا به نوعی «زمینی» شده‌اند، اما همچنان رگه‌هایی از قهرمانان آسمانی دارند. این شخصیت‌ها به‌ویژه تحت تأثیر سینمای غرب و الگوهای هالیوودی به نمایش درآمده‌اند و گاهی حتی با رفتارهایی که مرزهای واقعیت را درمی‌نوردند، در نظر مخاطب جذابیت بیشتری پیدا می‌کنند.

اما در دوره سوم، که از فیلم‌هایی مانند «ایستاده در غبار» آغاز می‌شود، سینماگران تلاش کرده‌اند چهره‌ای کاملاً انسانی از قهرمانان دفاع مقدس ارائه دهند. در این نوع روایت‌ها، هدف این است که مخاطب عادی بتواند با این شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند و حتی در لحظات خلوت خود بگوید که شاید بتواند خود را در چنین موقعیت‌هایی تصور کرده و مانند قهرمانانی همچون شهید قهاری یا شهید منصور ستاری قرار گیرد.

اما در رابطه با تبدیل این روایت‌ها به یک روایت بین‌المللی، باید بگویم که هنوز موانع زیادی در این مسیر وجود دارد. یکی از این موانع، محدودیت‌های فنی است که در سینمای ایران با آن مواجهیم. در سینمای غرب، به‌ویژه در هالیوود، جذابیت‌های بصری معمولاً نقش مهمی ایفا می‌کنند، در حالی که فیلم‌های ایرانی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس اغلب از این جذابیت‌ها کم‌بهره‌اند. علاوه بر این، در هنگام پرداخت به قهرمانان دفاع مقدس یا حتی قهرمانان معاصر، ما به‌ناچار باید به گفتمان ایدئولوژیک خود اشاره کنیم، چراکه این قهرمانان به‌واسطه این ایدئولوژی جان خود را فدای وطن کرده‌اند. این ایدئولوژی ممکن است با دیدگاه‌های جهانی هم‌خوانی نداشته باشد، در جشنواره‌های جهانی معمولاً فیلم‌هایی موفق می‌شوند که تصویر مثبتی از ایران نشان ندهند.

با این حال، ما می‌توانیم از شخصیت‌های ملی و تاریخی خود که ویژگی‌های بین‌المللی دارند، برای حضور در جشنواره‌های جهانی استفاده کنیم. به‌عنوان مثال، شخصیت‌هایی چون مولانا که در سطح جهانی شناخته‌شده هستند، یا شخصیت‌هایی مانند مریم میرزاخانی که در سطح بین‌المللی برجسته شده، می‌توانند نمونه‌هایی از قهرمانان ایرانی باشند که نه‌تنها در ایران، بلکه در جهان نیز نام‌آشنا هستند.

■ از شما بابت شرکت در این گفت‌وگو و تحلیل‌های دقیق‌تان سپاسگزارم. بی‌تردید، مسیر پرداختن به قهرمانان ملی در سینما، مسیری دشوار اما ضروری است؛ مسیری که تنها با نگاهی مسئولانه، بی‌پیرایه و در عین حال هنرمندانه می‌تواند به نسل امروز و فردا پیوند بخورد. امیدوارم که با حضور فیلم‌سازان آگاه و منتقدانی چون شما، سینمای ایران در این مسیر، بیش از پیش پخته و مردمی شود.

■ پیشمرگ؛ از روایت آسمانی تا تصویر انسانی قهرمان ملی

در خاتمه باید گفت؛ با توجه به گفت‌وگویی که در این مصاحبه شد، می‌توان به این نتیجه رسید که سینمای ایران در عرصه روایت قهرمانان ملی و دفاع مقدس در حال تکامل است. فیلم‌هایی مانند «پیشمرگ» که زندگی شهید قهاری را به تصویر می‌کشند، در تلاش هستند تا وجه انسانی و ملموس‌تری از این قهرمانان ارائه دهند. در حالی که در گذشته این شخصیت‌ها بیشتر به‌عنوان نمادهایی آسمانی و منزه به نمایش درمی‌آمدند، اکنون شاهد آن هستیم که سینماگران سعی دارند با پرداخت دقیق‌تر و نزدیک‌تر به ویژگی‌های انسانی قهرمانان، امکان ارتباط بهتری را برای مخاطب فراهم کنند.

با این حال، همچنان مسئله تعادل بین حقیقت تاریخی و جذابیت سینمایی به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی باقی مانده است. سینماگران باید بتوانند ضمن حفظ وفاداری به تاریخ، داستان‌هایی جذاب و قابل لمس برای مخاطب امروز خلق کنند. در این مسیر، عناصر دراماتیک و شخصیت‌های فرعی می‌توانند به جذابیت اثر افزوده و آن را از حالت مستند خشک و بی‌روح خارج کنند.

در نهایت، باید گفت که سینمای دفاع مقدس همچنان با چالش‌هایی نظیر جذب مخاطب عمومی به‌ویژه توجه به بازار بین‌المللی روبه‌رو است. این موضوع زمانی محسوس‌تر می‌شود که سینماگران می‌خواهند روایت‌هایی انسانی و ملموس از قهرمانان ملی ارائه دهند، در حالی که باید مراقب باشند تا از گفتمان ایدئولوژیک و ویژگی‌های فرهنگی خاص خود خارج نشوند. به‌طور کلی، سینما می‌تواند نقشی کلیدی در معرفی این قهرمانان به نسل‌های آینده و حتی مخاطبان جهانی ایفا کند، اما برای رسیدن به این هدف، نیاز به تلاش‌های بیشتری در زمینه تولید آثار جذاب و جهانی داریم.

خبر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

نیاز به زیرساخت‌های بیشتر در حوزه فرهنگ و هنر داریم

سپهرغرب، گروه فرهنگی: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: نیاز به زیرساخت‌های بیشتر در حوزه فرهنگ و هنر داریم چراکه تقریباً در تمام استان‌ها در این حوزه نارضایتی وجود دارد.

عباس صالحی در آیین آغاز پروژه پردیس فرهنگی هنری بوستان تئاتر شهر اظهار کرد: ما نیاز به زیرساخت‌های بیشتر در حوزه فرهنگ و هنر داریم. تقریباً تمام استان‌ها بیشترین نارضایتی را در حوزه فرهنگ و هنر دارند. شهر به‌عنوان یک زیست‌بوم مطرح است و یکی از مهم‌ترین چیزهایی که لازم دارد فضای فرهنگ و هنر است. خداراشکر سرانه فضای سبز افزایش پیدا کرده است و دلیلش تصمیم جدی بود که به نتیجه رسید اما در حوزه فرهنگی هنری سرانه سانتی‌متری است و به متر نمی‌رسد.

وی با بیان اینکه هنرمندان فضای تفکر یا ارائه کار ندارد و آثارشان روی جامعه تأثیر می‌گذارد، گفت: مسیر شهرداری قابل احترام است و برای من هم این پروژه جذابیت داشت؛ خوب است به پاره‌ای از مناطق هویت‌هایی دهیم که این فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند که این تعریف هویتی بسیار اتفاق خوبی خواهد بود. فرصت گپ و گفت‌های منطقه فراهم می‌کند و شرایط خوبی برای حضور مردم ایجاد می‌کند. وقتی زیرساخت‌هایمان افزایش پیدا می‌کند، به کارکردهای مختلف ازجمله دیپلماسی و حضور هنرمندان از خارج کشور کمک می‌کند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اضافه کرد: اینکه گفته شده در عرض چند ماه می‌توان این پروژه را افتتاح کرد، کار را برای محیط اجتماعی شیرین می‌کند. افزایش صندلی‌های تئاتر با افتتاح پروژه قابل توجه است و از این جهت کار قابل اهمیتی است. ما در این حوزه ظرفیت بسیار زیادی داریم اما توقعات برآورده نشده. مطالبات انباشته‌ای در حوزه هنرهای نمایشی وجود دارد و استاد نصیریان از جمله افرادی است که این مطالبه را داشت.

صالحی عنوان کرد: تنفس شهری به حوزه فرهنگ و هنر ربط پیدا می‌کند و نیازمند تعاملات بین وزارت فرهنگ و ارشاد و شهرداری است. تهران ویژگی‌های مهمی دارد؛ هر اتفاقی در تهران بیفتد در کل کشور انتشار پیدا می‌کند. در حوزه‌های مختلف ازجمله زیر ساخت‌ها می‌توان از کمک‌های شهرداری تهران استفاده کرد و باید این روند را ارتقا و سرانه‌های فرهنگی و هنری را افزایش دهیم.

وی با بیان این‌که افزایش بهره‌وری باید در دستور کار قرار بگیرد، گفت: چگونه باید از همین فضاهای موجود استفاده حداکثری کرد. نگهداری و حفاظت از این مراکز را باید مدنظر قرار دهیم؛ حریم تئاتر شهر را باید حفظ کنیم و این خوب نیست. انتظار داریم آقای زاکانی و شهرداری تهران در سه حوزه به ما کمک کنند.

وی درباره طرح توسعه تئاتر سنگلج عنوان کرد: امسال شصتمین سال تأسیس تئاتر سنگلج را داشتیم و این مرکز با نگاه نمایش‌های ایرانی شکل گرفت و باید نگاه ایرانی به هنرهای نمایشی داشته باشیم. اگر چنین اتفاقی از سوی شهرداری بیفتد به این تئاتر کمک می‌کند.

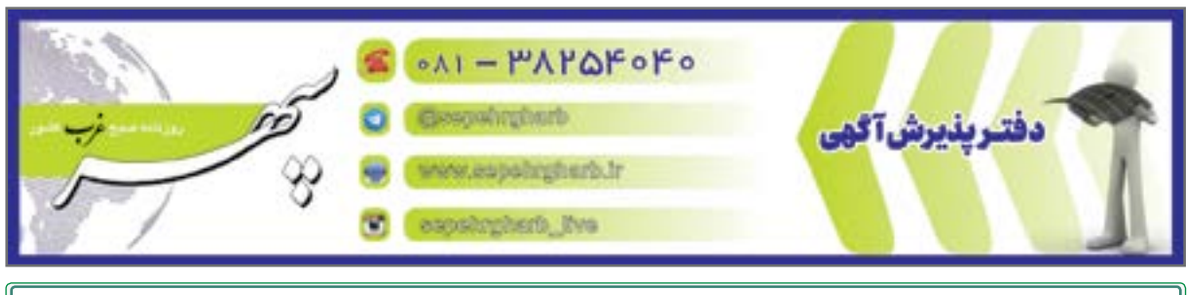

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان: نظر باینکه هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۴۰۱۰۰۱۱۰۹ به تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۳ تصرفات مالکانه آقای مرتضی قلخانی فرزند محمد حسین متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۰۴۰۰۰۰۱۴۰۸ در قسمتی از شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۹۴۵/۴۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۷ اصلی واقع در بخش ۵ تویسرکان محرز گردیده است لذا مفاد رأی صادره باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی میگردد در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکلی تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند ضمنا" معترض باید ظرف مدت. یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی میتواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد. ضمناً صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ * تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ * محمد علی جلیلوند – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

شماره آگهی: ۲۲۱۲۰ شماره م‌الف: ۱۱۷۸

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان: نظر باینکه هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای شماره ۱۴۰۳۳۶۰۳۲۶۰۰۴۰۱۰۲۲۹ به تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تصرف مالکانه آقای احسان شمسعلی فرزند محمود متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۰۴۰۰۰۰۴۵۹ در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۴۶/۱۸ متر مربع پلاک شماره ۱۵۱۴ فرعی از ۲ اصلی واقع دربخش ۲ تویسرکان محرز گردیده است لذا مفاد رأی صادره باستناد ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمناً صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد. ٪

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ * تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ * محمد علی جلیلوند – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

شماره آگهی: ۲۲۱۱۹ شماره م‌الف: ۱۱۶۵

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان: نظر باینکه هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای شماره ۱۴۰۳۳۶۰۳۲۶۰۰۴۰۰۰۸۵۹ به تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۴ تصرف مالکانه آقای محمد ولی رضایی فرزند یارولی متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۰۴۰۰۰۰۹۷۵ در شش دانگ یک باب مغازه به مساحت ۱۸/۰۶ متر مربع پلاک شماره ۹ فرعی از ۳۱۱ اصلی واقع در بخش ۱ تویسرکان محرز گردیده است. لذا مفاد رأی صادره باستناد ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی میگردد در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی میتواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد. ضمناً صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ * تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ * محمد علی جلیلوند – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

شماره آگهی: ۲۲۱۱۸ شماره م‌الف: ۱۱۱۵